

نشریه جامعه

صاحب‌امتیاز:مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب‌اسلامی

مؤسمن و انقلابی (دقت‌حفظ‌ونشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی‌خامنه‌ای)



درس **حکایت‌ها** اخلاق

نگاه محبت الهی را متوجه خودتان کنید

شب قدر، فرصتی برای مغفرت و عذرخواهی است. از خدای متعال عذرخواهی کنید. حال که خدای متعال به‌من و شما میدان داده است که‌به‌سوی او برگردیم، طلب مغفرت کنیم‌و‌از او معذرت‌خواهیم، این‌کار را بکنیم،‌والا‌روزی خواهد آمد که خدای متعال به‌مجرمین بفرماید: «لایؤذن لهم فیعتذرون». خدای نکرده در قیامت، به‌ما اجازه عذرخواهی نخواهند داد. به مجرمین اجازه نمی‌دهند که زبان‌به‌عذرخواهی‌بازکنند؛‌آن‌جا جای عذرخواهی نیست. این‌جا که میدان‌هست، این‌جا که اجازه‌هست، این‌جا که عذرخواهی برای شما در‌جه می‌آفریند، گناهان را می‌شوید و شمارا پاک و نورانی می‌کند، از خدای متعال عذرخواهی کنید. ●۷۶/۱۰/۲۶

انسان **حکایت‌ها** ۲۵۰ساله

به‌مناسبت میلاد امام حسن (علیه‌السلام)

هنر امام حسن (علیه‌السلام)، جلوگیری از جریان سلطنت در اسلام

بعد از صلح امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، کار به‌شکلی هوشمندانه و زیر‌کانه تنظیم شد که اسلام و جریان اسلامی، وارد کانال آلوده‌ای که به‌نام خلافت -و در معنا سلطنت- به وجود آمده بود، نشود. این، هنر امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) بود. امام حسن مجتبی کاری کرد که جریان اصیل اسلام -که از مکه شروع شده بود و به حکومت اسلامی و به‌زمان امیرالمؤمنین و زمان خود او رسیده بود- در مجرای دیگری، جریان پیدا بکند؛ منتها اگر نه به‌شکل حکومت -زیرا ممکن نبود- لاقابل‌دوباره به‌شکل نهضت جریان پیدا کند. این، دوره‌ی سوم اسلام است. ● ۶۹/۱/۲۲

نشریه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی |سال پنجم، شماره ۲۳۵|هفته چهارم اردیبهشت ۹۹|چاپ و توزیع به‌همت نیروهای مومن و انقلابی

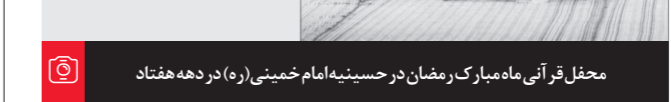
کنار گذاشتن غیر خدا! شرط ورود به ضیافت‌الله

آن چیزی که انسان را به ضیافتگاه خدا راه می‌دهد این است که غیر خدا را کنار بگذارد و این برای هرکس میسور نیست؛ برای افراد



قرآن کتاب زندگی است

قرآن، هم کتاب علم و معرفت است یعنی دل را و اندیشه‌ی انسانی را سیراب می‌کند -قرآن برای آن کسانی که اهل معرفت‌آموزی هستند یک سرچشمه‌ی تمام‌نشدنی است- لکن علاوه‌ی بر اینها قرآن دستور زندگی هم هست؛ قرآن علاوه‌ی بر جنبه‌ی معرفتسی و معرفت‌آموزی دستورات کاربردی دارد برای زندگی؛ یعنی محیط زندگی را آباد می‌کند، زندگی را از امنیت و سلامت و آسایش برخوردار می‌کند. ● ۹۹/۲/۶



مخفل قرآنی ماه مبارک رمضان در حسینیه‌ام خمینی (ره) در دهه هفتاد

خانواده **حکایت‌ها** ایرانی

وظیفه حفظ زن و بچه بر عهده همه ماست

به خانواده‌های خودتان هم برسید؛ به زن، به فرزند برسید. گاهی آنها بهتر از ما هستند، گاهی هم احتیاج دارند به این که ما حفظشان کنیم. اگر بهتر از ما بودند، کاری نکنیم که خراب شوند؛ اگر دیدیم خدای نکرده طوری هستند که احتیاج به کمک ما دارند، کمکشان کنیم؛ مراقب باشید. «قوا انفکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره» (تحریم ۷)؛ از آتشی که آتشگیره‌ی آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، خودتان و زن و بچه‌ی‌تان را حفظ کنید؛ معلوم می‌شود که وظیفه‌ی حفظ زن و بچه هم به عهده‌ی ماهاست. البته این کارها با کمک خود خدای متعال میسر می‌شود؛ این راهم بدانیم. ● ۸۲/۷/۱۲

حزب‌الله این است **حکایت‌ها**

قدر دل باطراوت خود را بدانید

فرمود «لیلة‌القدر خیر من الف شهر»، شبی که به عنوان لیلة‌القدر شناخته شده است و مردد است بین چند شب در ماه رمضان، از هزار ماه برتر و بالاتر است. در ساعت‌های کیمیایی لیلة‌القدر، بنده‌ی مؤمن باید حداکثر استفاده را بکند. بهترین اعمال در این شب، دعاست... اولین شرط استجاب دعا هم این است که با دل باطراوت و بی‌آلایش درخواست

ارتباط با **حکایت‌ها** پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸
ایتا: eitaa.com/khatthezbollah
گپ: Gap.im/KhatteHezbollah
خط حزب... (a) رایانامه: Khat@khamenei.ir
بله: ble.im/khatthezbollah
سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

انگشت‌شماری که در رأس آنها رسول الله است میسور بوده. آن توجه‌قلبی به‌مبدأنور و اعراض از ماورای او، و‌را لایق کرد به ضیافت‌الله و لایق کرد برای اینکه، قرآن یکمرتبه به‌طور بسیط در قلب او وارد بشود. لیله‌ی مبارک‌ه‌ی یکی از احتمالاتش بنیه‌ی خود رسول اکرم است که مشکلات نورالله

مطالبه **حکایت‌ها** رهبری

این دعا فقط برای خواندن نیست!

یکی از درس‌های بزرگ ماه رمضان که در خلال دعا و روزه و تلاوت قرآن در این ماه باید آن را فرا بگیریم و استفاده کنیم، این است که با چشیدن گرسنگی و تشنگی، به فکر گرسنگان و محرومان و فقرا بیفتیم. در دعای روزهای ماه رمضان می‌گوییم: «اللهم اغن کل فقیر. اللهم اشبع کل جائع. اللهم اكس کل عریان». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره‌ی محرومان و مستضعفان موظف بدانند. ● ۸۱/۹/۱۵

خاطرات **حکایت‌ها** رهبری

گفتم مارک خارجی را از کاپشن‌های ایرانی بکنند

ما [اخیراً] احتیاج پیدا کردیم به یک تعدادی کاپشن بچه‌گانه؛ من گفتم اصلاً از بازار نخرید، بدهید تولید کنند و بدوزند. رفتند جنس را تهیه کردند، خیاط را تهیه کردند، مبالغی تولید کردند؛ قطعاً از انواع خارجی‌اش بهتر بود؛ یعنی زیباتر، محکم‌تر و بهتر. خوب وقتی که می‌توانیم ما در داخل تولید کنیم چرا از خارج وارد کنیم؟ خود من دو تا کاپشن داشتم که گاهی کوه که می‌رفتم استفاده می‌کردم، اینها خارجی بود و سوغاتی برای من آورده بودند؛ اینها را دادم رد شد و گفتم از این داخلی‌ها ته‌یه بشود... من دیدم که روی آن یک چیزی زده‌اند که این تولید خارجی است که دروغ بود؛ خیاطش را میشناختم، می‌دانستم چه کسی درست کرده و کی درست کرده، و گفتم کنند آن را. بنابراین، یکی از بخش‌های پیشرو هم همین بخش تولید پوشاک است. ● ۹۹/۲/۱۷

هفته‌نامه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی |سال پنجم، شماره ۲۳۵|هفته چهارم اردیبهشت ۹۹



نسخه رهبر انقلاب برای مقابله با ویروسی‌های اقتصادی

واکسن «تولید»

صبح روز چهارشنبه (۱۷ اردیبهشت‌ماه) رهبر انقلاب به مناسبت هفته‌ی کار و کارگر و در راستای شعار سال یعنی «جهش تولید»، در دیدار تصویری با هفت مجموعه‌ی تولیدی با آنها به‌گفتگو نشستند. در این دیدار که سه ساعت طول کشید، ابتدا نمایندگان بخش‌های تولیدی کشور به مدت دو ساعت نظرات و مطالبات خود در زمینه‌ی مسائل تولیدی را مطرح کردند و بعد از آن، رهبر انقلاب نیز در بیانات ۵۷ دقیقه‌ای خود، کابردشکافی دقیقی از اهمیت مسأله‌ی کار و کارگر، مفهوم جهش تولید، وظایف مردم و دولت در قبال آن، و راه‌حل‌های ممکن برای راه‌ی‌ای از چالش‌های اقتصادی پیش‌رو ارائه فرمودند. نظر به اهمیت این موضوع، خط‌حزب‌الله در شماره‌ی این هفته‌ی خود، به جای «سخن هفته»، بخش‌هایی از بیانات ایشان که مر تبط باوظایف دولت (به‌معنای سه‌قوه) در قبال این موضوع است را موردبازخوانی قرار می‌دهد:

● **تولید، سیستم امنیت‌بخش اقتصاد است**
«تولید» را می‌توان به سیستم ایمنی و دفاعی بدن تشبیه کرد؛ این روزها که مسئله‌ی کرونا هم مطرح است، نقش سیستم دفاعی بدن در مواجهه‌ی با ویروس‌ها، با میکروب‌ها و مهاجم‌های ضدّسلامت نقش خیلی مهمّی است. همین ویروس کرونا بلاشک وارد خیلی از بدن‌ها شد، لکن آنها مریض نشدند؛ چرا؟ به خاطر اینکه یک سیستم دفاعی سالم خوبی داشتند که توانست دفاع کند و امنیت بدن را تأمین بکند. اگر مادر اقتصاد کشور، اقتصاد را به یک بدن انسان تشبیه بکنیم، سیستم دفاعی و امنیت‌بخش اقتصاد عبارت از تولید است؛ یعنی آن چیزی که می‌تواند ویروس‌های مهاجم و میکروب‌های مهاجم به اقتصاد را خنثی بکند و آن را سالم نگه‌دارد. تولید در کشور است. اگر ما همواره تولید خوب و مناسب

بای درس تفسیر قرآن آیت‌الله خامنه‌ای «۳» **حکایت‌ها**





فقط در جامعه عادلانه است که انسان‌ها به تکامل می‌رسند



اقتصاد سالم، حیاتی است، لکن فقط این نیست. تولید از لحاظ سیاسی، یک کشور را دارای اعتماد به نفس میکند، ملت را دارای احساس عزّت می‌کند. اینکه ملت احساس کنند که نیازهایشان در داخل کشور خودشان به وسیله‌ی خودشان تأمین می‌شود، برای یک ملت خیلی مایه‌ی عزّت و افتخار است؛ تا اینکه ببینند هر چه لازم دارند، بایستی از دیگران بگیرند؛ بایستی از دیگران آن را التماس بکنند؛ [دیگران هم آ‌گاهی بدهند، گاهی هم ندهند؛ و انواع و اقسامش را بدهند؛ یعنی گاهی خوبش را بدهند، گاهی بدش را بدهند؛ اینکه خود یک ملت بتواند تولیدکننده و تأمین‌کننده‌ی نیازهای خودش باشد، به‌او اعتماد به نفس می‌دهد، به‌او احساس عزّت می‌دهد. خوب حالا ما گفتم جهش تولید؛ چرا می‌گوییم جهش تولید؟ به خاطر اینکه ما از لحاظ تولید عقبیم... ما نیاز به توسعه‌ی بیشتر تولید و تقویت بیشتر تولید و پیشرفت بیشتر تولید داریم که حالا من نکاتی را در این زمینه عرض می‌کنم:

● **بدون مشارکت مردم امکان ندارد**
نکته‌ی اول این است که این را بدانیم که قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد... امکان ندارد، و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست (۲۴)

مطالبه رهبری حکایت‌ها	برش دیدار حکایت‌ها	خاطرات رهبری حکایت‌ها
این دعا فقط برای خواندن نیست!	همان که ما هواره می‌سازد، از عهده ساخت خودر و هم‌بر می‌آید	گفتم مارک خارجی را از کاپشن‌های ایرانی بکنند

به دنیا زده‌گان اعتنایی نکر دند این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید عبدالجلیل کارکوب زاده* <p>آن روزی که همین شهدای عزیز مادر جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه رفتند؛ عده‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند... این شهدا، بدون آنکه به آن‌ها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هر کدام یک ستاره و یک خورشیدند. ● ۷۶/۲/۱۷</p> <p>* رهبر انقلاب در سفر به قم در سال ۸۹ در منزل خانواده‌ی شهیدان کارکوب زاده حضور یافتند و از پدر و مادر ۳ شهید تجلیل نمودند. زندگی پرفراز نشیب مادر این شهیدان در کتابی با عنوان «خانم کارکوب»، گردآوری شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.</p>		تاریخ شهادت: ۲۲ شهریور ۱۳۶۰
		
مزار: گلزار شهدای شوشتر	شهادت: جبهه آبادان	

اطلاع‌یافتن **حکایت‌ها**

رهبر انقلاب در دیدار تصویری باهفت مجموعه تولیدی

همان که ماهواره می سازد، از عهده ساخت خود رو هم برمی آید

کارهای بزرگ را می توانیم انجام دهیم

ما باید امید به کار و تلاش را در کشور روزبه روز افزایش بدهیم... یک عده‌ای دائم دارند مثل زمزمه‌های خطرناک و مضر به گوش مردم می‌خوانند که فایده‌ای ندارد، نمی‌توانیم، امکان ندارد؛ در حالی که امکان دارد، ما خیلی کارهای بزرگ را میتوانیم انجام بدهیم، ما وقتی می‌توانیم یک ماهواره بر با این کیفیت درست کنیم که بتواند با این سرعت، یعنی ۷۵۰۰ متر بر ثانیه حرکت بکند -یعنی در یک ثانیه هفتونیم کیلومتر- وقتی می‌توانیم ماهواره‌ی خودمان را در مدار مورد نظر مان قرار بدهیم، پس باید بتوانیم خیلی از کارهای دیگر را هم انجام بدهیم.

هدف مامدار ۳۶ هزار کیلومتر است

آن کسی که امروز این ماهواره بر را تولید میکند و این ماهواره را به فضا می‌رساند، همین آدم، همین نیت، همین دست خواهد توانست چند صباح دیگر همین ماهواره را به مدار ۳۶ هزار کیلومتری برساند که مورد نظر ما است؛ ما می‌خواهیم ماهواره به مدار ۳۶ هزار کیلومتری برسد؛ این قطعاً خواهد شد، این امکان قطعاً وجود دارد. وقتی امید بود، وقتی احساس پیشرفت بود، وقتی احساس توانایی بود، این پیش می‌آید؛ عرض من این است.

همان که ماهواره می سازد، از عهده ساخت خود رو هم برمی آید

من می‌گویم وقتی که میتوانیم در بخش نظامی یا فرض کنید در بخش پر تاب ماهواره‌ی فضائی یک چنین حرکت بزرگی را انجام بدهیم، چرا نتوانیم اتموبیلی، خودرویی تولید کنیم که در صد کیلومتر مثلاً پنج لیتر بنزین لازم داشته باشد؟ دائم متوقف بشویم در اتموبیلی یا خودرویی که مثلاً فرض کنید دوازده لیتر یا ده لیتر یا هشت لیتر مصرف می‌کند، یعنی این توانایی وقتی در ما وجود دارد، این روحیه‌ی ابتکار وقتی در ما وجود دارد، در همه‌ی بخشهای کشور وجود خواهد داشت؛ هم در بخش صنعتی، هم در بخش‌های گوناگون دیگر (نظیر) کشاورزی و خدماتی، حرف ما این است. ۹۹/۲/۱۷

مکتب حجاج قاسم

فرازی از وصیت‌نامه سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی (۸)

مراد در فراق خود بسوزان و بمیران

خداوند، ای عزیز! من سال‌ها است از کاروانی به‌جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به‌سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هر گز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند. عزیز من! جسم من در حال غلیل شدن است. چگونه ممکن است کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مراد در فراق خود بسوزان و بمیران. ●

پای درس تفسیر قرآن آیت‌الله خامنه‌ای «۳»

فقط در جامعه عادلانه است که انسان‌ها به تکامل می‌رسند

نشریه‌ی خط حزب‌الله در ایام ماه نزول قرآن، بخش‌هایی از مجموعه سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ماه مبارک رمضان سال ۵۳ در مسجد امام حسن ع‌مشهد که با عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» شناخته می‌شود، مرور می‌کند. برای این کار در هر شماره دو کلیدواژه‌ی شاخص از محتوای این سخنرانی‌ها را بررسی کرده‌ایم. «هجرت» و «هدف‌های انبیاء» موضوع این بخش از نشریه‌ی این هفته است.

۱- هجرت یعنی دست شستن از همه چیز به خاطر هدف

«إِنَّ الدِّينَ أَمَانٌ» همانا آن کسانی که ایمان آوردند، «و هاجروا» و هجرت کردند یعنی چه؟ یعنی از مشهد رفتند تهران؟ از شهری به شهری مهاجرت کردند و بس؟ نه. اولاً هجرت کردن به معنای یک باره از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه‌ی اسلامی، به خاطر قبول تعهد در مجموعه‌ی تشکیلات جامعه‌ی اسلامی است. از مکه که بلند می‌شدی شما بیرون می‌آمدی، دیگر چیزی در مکه برای تو وجود نداشت. به سود چپاول گران خون‌خواره‌ی متجاوز مکه، همه چیز شما ضبط می‌شد و اموالتان به تاراج می‌رفت. اگر از مکه می‌آمدید مدینه، پدرتان یا پسرتان یا همسرتان در آنجا مانده بود، عزیزترین عزیزانتان به صورت دشمن خونین شما در آمده بود؛ هجرت یعنی این. آن کسانی که هجرت می‌کردند، همه‌ی این محرومیت‌ها و ناکامی‌ها را به جان می‌پذیرفتند.

۲- هجرت یعنی خروج از ولایت طاغوت و ورود به ولایت الله

اگر بپذیرفتیم که انسان می‌باید همه‌ی نیروهایش، همه‌ی نشاط‌های جمعی و فکری و روانی او، با راده‌ی ولی الهی به کار بیفتد و خلاصه، انسان باید با جمیع عناصر وجودش بنده‌ی خدا باشد، نه بنده‌ی طاغوت؛ این را هم باید قبول کنیم که اگر یک جایی وجود ما و هستی ما تحت فرمان ولایت طاغوتی و شیطانی بود، تعهد الهی ما این است که ما خودمان را از قید و بند ولایت طاغوت نجات بدهیم، آزاد کنیم و برویم تحت سایه‌ی پر میمنت ولایت‌الله. خارج شدن از آن ولایت ظالم و وارد شدن به آن ولایت عادل، اسمش هجرت است. می‌بینید که مسئله‌ی هجرت، یکی از مسائلی است که در دنباله‌ی ولایت مطرح است.

۳- آیا نمی‌توانستید از زندان استضعاف خارج شوید؟

فرشتگان پروردگار می‌گویند، «قالوا ألمر تكُن أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا» بابا آنجا مستضعف بودید، زمین پروردگار هم منحصر به همان جا بود؟ همه‌ی دنیا خلاصه شده بود در همان جامعه‌ای که شما در آن جامعه، مستضعفانه زندگی می‌کردید؟ سرزمین خدا گسترده نبود تا شما از این زندان خارج بشوید، بروید عبادت بکنید، به یک نقطه‌ای که بتوانید خدا را را در راه صحیح به کار ببنداید، به یک نقطه‌ای که مستضعف در آن نقطه نباشید، در دنیا چنین جایی نبود؟... دیگر جواب ندارند بدهند، چه بگویند بیچاره‌ها، معروف است که حرف حساب، جواب ندارد.

۱- هدف انبیاء ایجاد کارخانه آدم‌سازی است

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ»، مدرسه‌بازی و موعظه‌کاری و تربیت فردی، کار انبیاء نیست. انبیاء می‌گویند برای ساختن انسان باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود بپروراند، تربیت کرد و بس. انبیاء می‌گویند دانه‌دانه نمی‌شود قالب گرفت، کارخانه باید درست کرد. انبیاء می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی‌یکی آدم‌ها را درست کنیم، عمر می‌گذرد؛ جامعه لازم است، نظامی لازم است، باید در محیط یک نظام، انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس.

حکومت اسلامی و هدف انبیا

۲- فقط در جامعه عادلانه است که انسان‌ها به تکامل می‌رسند

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ»، «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» حاصل معنایش این است که انسان‌ها در یک محیط عادلانه زندگی بکنند، پیغمبر برای این‌ا آمده اصلاً پس پیغمبر آمده برای چه؟ برای تشکیل نظام و محیط عادلانه. آمده تا جامعه و نظام عادلانه به وجود بیاورد، البته در نظام عادلانه است که انسان‌ها فرصت پیدا می‌کنند به تکامل و تعالی برسند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی چیزهایی که برای انسان، برای فکرش، قلبش، و روحش، یا برای جسمش خوب است در دسترس و اختیار همه است. علم، سواد، تقوا، پول، هر چه که برای انسان خوب و مفید است، در اختیار همه است. هر چه که برای انسان بد است، در اختیار هیچ‌کس نیست. «وَيُخَرِّجُهُمْ غَلِيظَ الْهَبَاءِ» یا دم دستشان نیست، یا به صورت قانون‌های الزامی از دسترس‌شان خارج شده.



۳- جز با تشکیل نظام توحیدی، آزادی انسان حاصل نمی‌شود

«وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» از جمله‌ی خصوصیات پیغمبر این است که بار گران را برمی‌دارد، بار گران جهالت‌ها، بار گران سنت‌های غلط، بار گران نظام‌های پلید غیرانسانی، بار گران دیکتاتوری‌ها و استبدادها و زورگویی‌ها و استثمارها، هر بار گرانی را از دوش‌شان بر می‌دارد. «وَالْغُلَّالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِنَّ» غل و زنجیرهایی که به پای اینها است باز می‌کند. چه غل و زنجیری مگر بوده؟ آیا وقتی پیغمبر مبعوث شد، به پای همه‌ی مردم مکه، هر کدام یک زنجیر بسته شده بود؟... خب معلوم است که غل و زنجیر آهنی نبود. غل و زنجیر بود، چه غل و زنجیری؟ غل‌ها و زنجیرهای اسارت، غل و زنجیر زورشنوی‌ها، غل و زنجیر سنت‌ها و مقررات و تحکیمات بشری؛ پیغمبر می‌آید اینها را باز می‌کند. اینها چیست جز تشکیل یک نظام انسانی و توحیدی.

۱۶ اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را آراه ببنداد... خب، در عین حال که این کار، کار مردم است، دولت هم وظایف مهمی دارد. دولت که می‌گوییم، منظور سه قوه است، نه فقط قوه‌ی مجریه... از جمله‌ی این وظایف -که اگر این وظایف را دولت عمل نکند و مسئولین کشور عمل نکنند، چشم تولید صورت نخواهد گرفت- این است که دولت بایستی از تولید و تولیدکننده حمایت بکند. منظور از حمایت، تزریق منابع مالی صرف‌نایست بلکه میدان را باز کردن است... اگر چنانچه این کار از سوی دولت انجام بگیرد آن وقت این حرکت به صورت صحیحی انجام خواهد گرفت. بنابراین حمایت که می‌گوییم، یعنی برداشتن موانع.

● مبارزه با قاچاق و جلوگیری از واردات بی‌رویه

یکی از حمایتها که بسیار مهم است، مبارزه با قاچاق است؛ یعنی واقعاً قاچاق یک اقتی است برای کشور که باید به معنای حقیقی کلمه با این اقت مبارزه کرد. یکی از کارهای لازم، منع جدی واردات بی‌رویه است. این همه بنده تأکید کردم بر روی مسئله‌ی واردات؛ باز هم انسان می‌بیند به بهانه‌های مختلف یک جاهایی واردات (صورت می‌گیرد). به مانامه می‌نویسند و شکایت می‌کنند؛ یک دستگامی می‌گوید که ماملاً این وسیله را با زحمت زیادی درست کردیم به نصف قیمت، به یک سوم قیمت، اما آفلان دستگاه دولتی که به این وسیله احتیاج دارد، می‌رود با تولیدکننده‌ی خارجی قرارداد می‌بندد... اگر چنانچه این کار در یک موارد مهمی انجام بگیرد، باید اسمش را گذاشت جنایت، خیانت، البته همیشه این جور نیست، و از روی غفلت گاهی انجام می‌گیرد، اما گاهی هم واقعاً جنایت و خیانت است.

● مبارزه با فساد مالی

یکی از حمایتها مبارزه‌ی جدی با فساد مالی است. ببینید این دستگاه‌هایی که امروز گزارش دادند -و صدها دستگاه از قبیل اینها- در کشور دارند با سلامت، کار اقتصادی انجام می‌دهند. اگر شما بخواهید این کسانی که دارند کار سالم اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به مقصود برسند، بایستی با آن کسی که از راه فساد، از راه رشوه، از راه اختلاس کار را پیش می‌برد، مبارزه‌ی جدی‌یکنید.

یک مسئله‌ی مهم، رعایت حقوق مالکیت است که این از وظایف قوه‌ی قضائیه است. یک مسئله‌ی مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است که این، قانون لازم دارد و مربوط به مجلس شورای اسلامی است؛ بایستی در قوانینی که وضع می‌کنند، مراقبت بکنند که به این گونه سوداگری‌ها کمک نشود، بلکه در نقطه‌ی مقابل به فعالیت‌های صحیح کمک بشود. در یک مواردی معافیت‌های مالیاتی لازم است، همچنان که در نقطه‌ی مقابل، در یک مواردی وضع مالیات لازم است؛ مثل ثروت‌های باآورده.

● با حرکت معمولی به جایی نمی‌رسیم

بنابراین حرکت تولید در کشور بحمدالله آغاز شده؛ ولیکن میخواهم این‌را عرض بکنم؛ ما با حرکت معمولی به جایی نمی‌رسیم، جهش لازم است، حرکت مضاعف لازم است؛ و زمینه‌ی این حرکت مضاعف خوشبختانه در کشور وجود دارد. عناصر بسیار خوب مبتکر، جوان‌های آماده‌ی به کار، جوان‌های تشنه‌ی کار در کشور وجود دارند، می‌توانیم از وجود اینها استفاده کنیم و تولید را به معنای واقعی کلمه جهش بدهیم، و جهش تولید خواهد توانست اقتصاد کشور را احیا کند. ●